

مقایسه‌ی الگوی اسلامی با الگوهای نظری اقتصاد توسعه درباره‌ی توزیع اعتبارات تولیدی

حجت ورمزپاری^{۱*} - خلیل کلانتری^۲

۱. دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی دانشگاه تهران

۲. استاد برنامه‌ریزی منطقه‌ای دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۱۰، تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۵/۸)

چکیده

نحوه‌ی توزیع اعتبارات کشاورزی باید از یک نظریه و عقبه‌ی فکری پیروی کند. این پژوهش، در ابتدا شاخص‌های پنج الگوی نظری به‌ویژه الگوی اسلام را در رابطه با نحوه‌ی توزیع اثرگذار اعتبارات تولیدی، بررسی کرده و سپس به‌منظور بررسی پایایی الگوهای یادشده، به یک مطالعه‌ی موردی درباره‌ی اعتبارات بانکی کشاورزی پرداخت. این تحقیق با استفاده از رهیافت نظریه‌ی بنیانی، شصت نفر کشاورز شهرستان خوی را مطالعه کرد که از وام‌های کشاورزی استفاده کرده بودند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مشاهده و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بود. نتایج این پژوهش نشان داد که عوامل بسیار زیادی در استفاده درست از اعتبارات کشاورزی اثرگذار بوده و بر خلاف الگوی سرمایه‌داری، طبقه‌ی اجتماعی افراد تعیین‌کننده نیست. همچنین یافته‌های این مطالعه نشان داد که دین اسلام، عوامل یادشده را در قالب رهنمودهای کلی جلوگیری از انحصار سرمایه در دست ثروتمندان و عدم غفلت از پروژه‌های کوچک و فقرا و اعطای آن با توجه به شایستگی‌ها و قابلیت‌ها در نظر گرفته است. آموزه‌های اسلامی، بخشیدن مال در غیر موردش را اسراف محسوب کرده و آن را منع کرده‌اند. بنابراین از نظر اسلام، صرف افزایش دسترسی به اعتبارات تولیدی در نواحی روستایی، یک اقدام ساده‌انگارانه بود و فرصت‌های شغلی درآمدزا و عدالت اقتصادی پایدار را ایجاد نخواهد کرد.

واژه‌های کلیدی: الگوهای نظری، رشد و عدالت، اعتبارات کشاورزی

مقدمه

اعتبارات و سرمایه نقش بسیار مهمی در تحقق رشد و توسعه دارند. دستیابی به اعتبارات، آثار مستقیمی بر رفاه خانوارها و عملکرد شغلی دارد، چرا که اعتبارات می‌توانند با هدف افزایش برابری در مشاغل، استفاده شوند (Briggeman et al., 2007, PP. 1-2). Schumpeter (1911) در مطلبی با عنوان نظریه‌ی توسعه‌ی اقتصادی، تأکید کرده است که کارآفرینان به منظور تأمین مالی لازم برای پذیرش فنون نوین تولید، نیازمند اعتبارات هستند (Ang, 2008, 39). افرادی که دسترسی کافی به سرمایه ندارند، امکان دارد با عقب ماندگی‌های مهمی روبه‌رو شوند که منجر به عملکرد پایین آن‌ها شده و آن‌ها را گرفتار دام فقر کند (Mel et al., 2007, 3). کارآفرینی‌های کشاورزی همیشه به‌طور جدی و اساسی، برای تأمین سرمایه‌ی در گردش و دارایی‌های ثابت، به بانک‌ها متکی بوده‌اند (Bryant, 2001, 75). البته برخی از چالش‌ها در رابطه با اعتبارات وجود دارد که مانع از نقش آفرینی آن‌ها در مسیر رشد سرمایه‌گذاری مولد و اشتغال‌زایی می‌شود. بالا بودن هزینه‌های اقدام‌های اولیه و زیربنایی کشاورزی از قبیل احیا و هموار کردن اراضی و غیره (Saddik, 1995, 6)، نرخ تورم بالا، عدم امنیت مالکیت زمین نیز از سایر موانع تبدیل اعتبارات به سرمایه‌ی مولد در بخش کشاورزی هستند. این عوامل بازدارنده در نهایت باعث انحراف اعتبارات کشاورزی از مسیر تولید می‌شوند و در چنین حالتی است که مخاطره‌های اخلاقی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های اعتبارات کشاورزی روی می‌دهد. در صورتی که قرض‌کننده‌ی اعتبارات، به انجام فعالیت‌هایی که از نظر وام‌دهنده نامطلوب به نظر می‌رسد بپردازد و به بیان دیگر، آن را در مصارفی غیر از هدف تعیین شده برای وام مصرف کند، به اصطلاح در این حالت فرد دچار مخاطرات اخلاقی^۱ در اعتبارات می‌شود (Swinnen and Gow, 1999, 3).

با توجه به اهمیت اعتبارات تولیدی در تحقق رشد و توسعه، مباحثه‌های نظری عمده‌ای

1. Moral hazards

در رابطه با نحوه‌ی توزیع این اعتبارات وجود داشته است، به گونه‌ای که در نهایت منجر به تشکیل سرمایه‌ی تولیدی، کارآفرینی و رشد اقتصادی می‌شوند. این پژوهش در پی تبیین برخی از مهم‌ترین الگوهای نظری، در زمینه‌ی چگونگی توزیع اثرگذار اعتبارات تولیدی و بررسی کارآمدی عملی و پایایی آن‌ها، با استفاده از یک مطالعه‌ی موردی در رابطه با نحوه‌ی استفاده از اعتبارات بانکی کشاورزی توسط بهره‌برداران و عوامل اثرگذار بر آن می‌باشد. مقایسه‌ی الگوهای نظری توسعه و آزمون آن‌ها و نیز پرداختن به الگوی اسلامی در این باره، می‌تواند در معرفی الگوی اسلامی توزیع اعتبارات کشاورزی اثرگذار باشد. افزون بر این، با توجه به این که اعتبارات بانکی کشاورزی تخصیص یافته به بهره‌برداران، نقش مهمی در شکوفایی کشاورزی دارند، بنابراین بررسی دیدگاه‌ها و نگرش بهره‌بردارانی که اقدام به دریافت وام کشاورزی کرده‌اند، در رابطه با شاخص‌های اثرگذار بر استفاده‌ی بهینه از تسهیلات یادشده، بسیار ضروری است.

مروری بر ادبیات و پیشینه‌ی تحقیق

لازمه‌ی مقایسه‌ی الگوهای نظری توسعه درباره‌ی نحوه‌ی توزیع اعتبارات مولد، تبیین شاخص اصلی مربوطه می‌باشد. حال در ادامه پنج الگو و شاخص‌های مربوطه بررسی می‌شوند.

الگوی هسته‌ی در حال گسترش سرمایه‌داری

آرتور لوئیس از نظریه پردازان مشهور الگوی هسته‌ی در حال گسترش سرمایه‌داری، افراد جامعه را به پنج طبقه‌ی دهقانان، کارگران مزدبگیر، طبقه‌های متوسط، زمین‌داران و سرمایه‌داران تقسیم کرده است (Hunt, 1989, PP. 107-108). وی تأکید می‌کند که دولت باید اعتبارات یادشده را به سرمایه‌داران اختصاص داده و حمایت‌های کافی از این گروه را به عمل آورده و نیروی کار ارزان قیمت را برای افزایش درآمد آنان تأمین کند و از افزایش عملکرد تولید و درآمد دهقانان و سطح دستمزدها جلوگیری نماید. نظریه‌ی مراحل رشد رستو^۱ نیز بر همین روند تأکید دارد. لوئیس تصریح می‌کند، یکی از عواملی

1. Rostow

که می‌تواند به هدایت اعتبارات به امور غیر تولیدی بیانجامد، افزایش بسیار سریع و یا طولانی مدت قیمت‌ها است که سبب سلب اعتماد سرمایه‌گذاران به بازار شده و آن‌ها را به سرمایه‌گذاری در امور غیر تولیدی از قبیل احتکار کالا و خرید زمین تشویق می‌کند. به‌طور کلی از نظر لوئیس عامل اصلی در هدایت درست اعتبارات به اهداف تولیدی، «طبقه‌ی استفاده‌کنندگان از اعتبارات» هستند.

بعدها از طبقه‌بندی لوئیس براساس میل نهایی افراد جامعه به مصرف یا پس‌انداز انتقاد شد. اقتصاددانان منتقد، معتقد بودند که لوئیس تصویر نامناسب و غیرواقعی از میل اقشار جامعه به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری مولد ارائه کرده است (Ibid, PP.134-136).

الگوی نیازهای اساسی

از جمله الگوهای منتقد الگوی «هسته‌ی در حال گسترش سرمایه‌داری»، الگوی تأمین نیازهای اساسی^۱ می‌باشد. الگوی تأمین نیازهای اساسی تأکید می‌کند که ثروتمندان، بیش‌تر تمایل دارند سرمایه‌ی خود را به امور تجملی و غیر تولیدی مانند خرید و فروش زمین یا بورس بازی مستغلات شهری تخصیص دهند. این در حالی است که کارآفرینان کوچک، در گذشته به دلیل تبعیض در سیاست‌گذاری‌ها و نبود مجاری مناسب تولیدی برای سرمایه‌گذاری، نمی‌توانستند پس‌اندازهای خود را افزایش دهند. از نظر الگوی یادشده توزیع عادلانه‌ی درآمد و تأمین نیازهای اساسی اقشار جامعه و به‌ویژه افزایش درآمد فقرا، منجر به گسترش بازار و تقاضای داخلی و تحریک کارآفرینان کوچک به‌منظور تأمین نیازهای یادشده می‌شود (Ibid, p. 312). یکی از ایرادهای الگوی نیازهای اساسی، تأکید بر اهمیت توزیع درآمد بین اقشار فقیر جامعه و اشتغال‌زایی بوده و به‌درستی بیان می‌کند که کارآفرینان خرد تمایل به پس‌انداز دارند، اما بایدها و نبایدهای توزیع درآمد و اعتبارات لازم برای اشتغال‌زایی را به‌خوبی مشخص نکرده است. این الگو برخلاف الگوی هسته‌ی در حال گسترش سرمایه‌داری و براساس رویکرد رادیکال، ثروتمندان را افرادی که اغلب میل زیادی به مصرف کالاهای تجملی و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های غیرتولیدی دارند، معرفی می‌کند (Ibid, p. 239).

1. Basic needs

الگوی نئوکلاسیک

از سوی دیگر، از نظر منتقدان نئوکلاسیک دیدگاه هسته‌ی در حال گسترش سرمایه‌داری، عامل اصلی رشد اقتصادی، انباشت سرمایه نیست. آنان معتقد بودند در شرایطی که بازار دچار اختلالات و نقص می‌باشد، پی‌گیری و اجرای کورکورانه‌ی سیاست انباشت سرمایه کمک چندانی به افزایش تولید نخواهد کرد و تنها موجب افزایش سرمایه‌ی نوینی می‌شود که از تمامی ظرفیت آن استفاده‌ای نشده است. به این ترتیب اقتصاددانان نئوکلاسیک عامل اصلی محدودیت افزایش تولید در کشورهای در حال توسعه را عدم کارایی استفاده از منابع می‌دانند، نه فقدان انباشت سرمایه (Ibid, pp.91-93). همان‌طور که در ادامه بحث خواهد شد، اختلال در بازار، تنها یکی از عوامل اثرگذار در این نقیصه بوده و عوامل دیگری، به‌ویژه عوامل مرتبط با خود انسان، نیز اثرگذار هستند که در الگوی نئوکلاسیک به آن توجه نکرده‌اند. البته نئوکلاسیک‌ها به‌منظور حداکثرسازی کارایی، آزادسازی و کاهش نقش دولت در بازار و تعیین قیمت‌ها را تجویز می‌کنند. نگاه صندوق بین‌المللی پول نیز از همین سنخ می‌باشد که این امر، ذاتاً با عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های لازم برای رشد همگان بیگانه است.

الگوی معکوس‌سازی

ایده‌ی معکوس‌سازی از جمله ویژگی‌های اساسی پارادایم نوین توسعه می‌باشد که نظریه‌پرداز نامی آن، رابرت چمبرز است. به‌طور کلی چمبرز گذاره یا تز نئوفایین‌ها و برابر نهاد یا آنتی تز نئولیبرال‌ها در رابطه با توسعه‌ی روستایی و فقرزدایی را رد می‌کند. چرا که اعتقاد دارد هر دو خط‌مشی و نسخه‌های آن‌ها، نشان از دیدگاه مرکزی، مرکز-بیرون و از بالا به پایین برنامه‌ریزان نسبت به توسعه‌ی روستایی دارد. هر دو خط‌مشی، کار را با نظام‌های اقتصادی و نه مردم، به شکل کلان و نه خرد آغاز می‌کنند و در نتیجه نسخه‌های آنان یکنواخت، استاندارد و جهان شمول می‌باشد. چمبرز برخلاف این دو مکتب، معکوس‌سازی و نظریه‌ی پیرامون را تشویق می‌کند. «حرفه‌ای‌های متعارف به مرکز گرایش دارند و به فقرا پشت می‌کنند، اما حرفه‌ای‌های جدید روی سر خود ایستاده و به پیرامون نظر دارند» (Chambers, 1993, p. 35).

الگوی دین اسلام

کشاورزی اولویت نخست اسلام در بین بخش‌های اقتصادی می‌باشد. به نظر می‌رسد یکی از دلایل آن، نقش بخش کشاورزی در تأمین نیازهای غذایی مردم باشد. امام صادق (ع) فرموده‌اند: «از پیامبر اکرم (ص) پرسیده شد: چه مالی بهتر است؟ فرمود: زرعی که صاحبش آن را بکارد و روز جمع‌آوری و برداشت، حق و زکات آن را ادا کند. بار دیگر پرسیده شد: بعد از زراعت چه مالی بهتر است؟ فرمود: شبانی که به دنبال گوسفندان خود، برای تعلیف در جاهای مناسب حرکت و نماز را اقامه و زکات را ادا کند» (خلیلیان، ۱۳۸۴، ص ۱۰۸). «...در اسلام هم آگاهانه و با توجه، نسبت به کشاورزی تأکید شده است. حدیث بسیار پُر معنا و پُر مضمونی درباره‌ی کشاورزان نقل شده است: الزَّارِعُونَ كُنُوزٌ... فی ارضه؛ یعنی کشاورزان کسانی هستند که گنجینه‌های خدا در زیر زمین را می‌دروند و استخراج می‌کنند...» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۲).

به‌طور کلی اسلام در زمینه‌ی دسترسی به سرمایه، برخلاف الگوی هسته‌ی در حال گسترش سرمایه‌داری و نیز نئو کلاسیک، اعتقاد به مبارزه با انحصارگرایی سرمایه‌داران داشته و مخالف جریان داشتن ثروت تنها در بین سرمایه‌داران جامعه است «آن‌چه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند متعلق به خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان، مستمندان و در راه‌ماندگان است تا (این اموال عظیم) دست‌به‌دست میان ثروتمندان شما نگردد...» (سوره‌ی حشر، آیه ۷). در جای دیگر، حضرت علی (ع) مالک را از توجه صرف به پروژه‌های بزرگ و غفلت از کارهای خرد و فقرا باز می‌دارد. «... هرگز به خاطر کارهای فراوان و مهمی که انجام می‌دهی، از انجام نشدن کارهای کوچک معذور نیستی نباید دل از آن‌ها برگیری و چهره به روی آنان درهم کشی...» (نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳). این همان نظریه‌ای است که اندیشمندان نامی عصر حاضر از قبیل شوماخر، چمبرز و... در قالب عناوینی هم‌چون «کوچک زیباست»، «معکوس‌سازی» و غیره مطرح کرده‌اند. البته این رهنمودها به معنای توزیع یکسان ثروت بین همه‌ی افراد بدون توجه به شایستگی‌ها و توانایی‌ها نیست. چنان‌چه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «بخشیدن مال در غیر موردش تبذیر و اسراف است...» (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۲۶). اسلام با عنایت به توان بخش

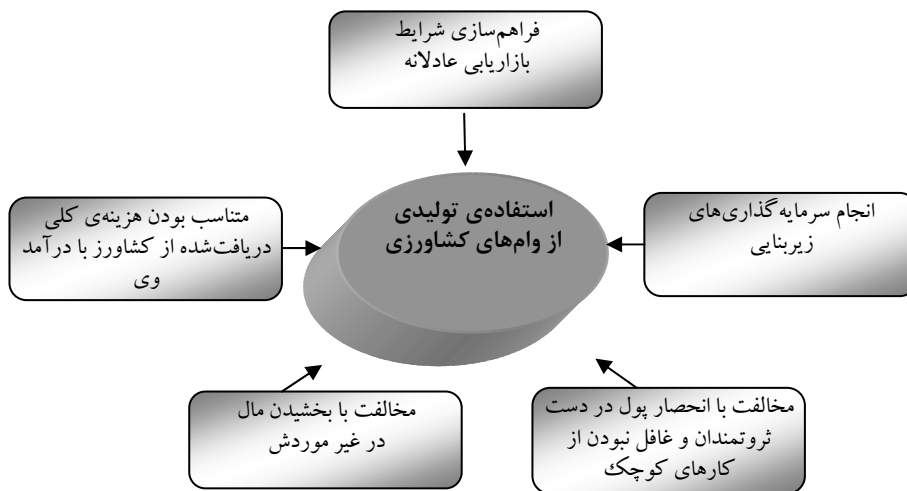
خصوصی در آباد کردن زمین، مسئولیت عمده‌ی دولت را حمایت از این بخش و کم کردن موانع بر سر مسیر تولید می‌داند. امام علی (ع) خطاب به مالک می‌نویسد:

«خراج و مالیات را دقیقاً زیر نظر بگیر! به گونه‌ای که صلاح مالیات‌دهندگان باشد. زیرا در بهبودی وضع مالیات و بهبودی حال مالیات‌دهندگان، بهبودی حال دیگران نیز نهفته است... باید کوشش تو در آبادی زمین بیش از کوشش در جمع‌آوری خراج باشد... اگر رعایا از سنگینی مالیات و یا رسیدن آفات یا خشک شدن آب چشمه‌ها و یا کمی باران و یا دگرگونی زمین در اثر آب گرفتن و فساد بذرها و یا تشنگی بسیار برای زراعت و فاسد شدن آن به تو شکایت آورند، مالیات را به مقداری که حال آن‌ها بهبود یابد تخفیف ده و هرگز این تخفیف بر تو گران نیاید... و اما ویرانی زمین تنها به این علت است که کشاورزان و صاحبان زمین فقیر می‌شوند.» (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۵۳). بنابراین امام برای عملیاتی شدن عمران و توسعه به دست مردم، دولت را موظف به آباد کردن زمین و به بیان دیگر، انجام سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی می‌کند. هم‌چنین ایشان در نامه‌ی یادشده، در پی یادآوری اهمیت آرامش روانی و رضایت کشاورزان از دولت در دستیابی به رشد تولید و عمران اراضی است. از سوی دیگر، رهنمود «متناسب کردن مالیات با وضعیت کشاورزان و رعایا و درآمد آن‌ها»، برخاسته از اهتمام اسلام نسبت به ضرورت تأمین اعتبار و سرمایه‌ی لازم برای تمام اقشار کشاورزان می‌باشد. افزون بر این، دین اسلام در راستای تدوین سیاست‌های مربوط به تشویق تولیدکننده برای تداوم سرمایه‌گذاری مولد، به سازوکار بازار و تنظیم آن نیز عنایت دارد. امام علی (ع) برای حمایت از بازار - همانند زمان پیامبر (ص) - به ساختن بازار اقدام کرده و سپس آن را در اختیار تجار قرار داده است. از ایشان روایت شده که از حجره‌های بازار کرایه نمی‌گرفت (همان منبع). در عین حال، حضرت علی (ع) مانع از زیاده‌خواهی طبقات حاکم بر بازار می‌شد.

امام هم‌چنین از شکل‌گیری انحصار در بازار نهی کرده‌اند. از این رو به مالک می‌نویسند: «با این همه، بدان که بسیاری از ایشان [=بازاریان] را روشی ناشایسته است و حریص‌اند و بخیل، احتکار می‌کنند و به میل خود برای کالای خود بها می‌گذارند. با این کار به مردم زیان می‌رسانند و برای والیان نیز مایه‌ی ننگ و عیب است» (نهج‌البلاغه، نامه‌ی

۵۳). مرحوم خوئی در معنای «تحکماً فی البیاعات» که در این نامه به آن توجه شده است، می‌نویسد که آن حرص جهنمی است که موجب تشکیل شرکت‌ها و انحصارات جبارانه می‌شود. از این رو کالاهای مورد نیاز مردم را با انواع حيله و با نیروی سرمایه جمع‌آوری کرده و به هر قیمتی که خود می‌خواهند و با هر شرط و قراردادی آن‌ها را می‌فروشند و منافع خود را دو چندان می‌نمایند (گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۸۰، ص ۸). این رویه‌ها و رهنمودها، نشان می‌دهد که اسلام تلاش و همت زیادی برای ایجاد سازوکار مناسب و عادلانه‌ی بازاریابی محصولات کشاورزی کرده است.

از این رو دیدگاه اسلام، حمایت از تولیدکننده و وضع سیاست‌ها به گونه‌ای که این قشر مهم تحت فشار قرار نگرفته و حمایت مالی کافی از آنان ایجاد شده و از همه مهم‌تر، فضای روحی- روانی مساعد برای تداوم تولید و توسعه پدید آید. در این میان اسلام با منحصر بودن سرمایه به گروه خاص مخالفت کرده و تأکید دارد که سرمایه باید در اختیار افراد شایسته و صلاحیت‌دار قرار گیرد. چنین روندی است که منجر به رشد و شکوفایی اقتصاد و تولید جامعه و تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد محیط توانمندساز برای فعالیت تولیدکنندگان و کارآفرینی کشاورزی می‌شود (نمودار شماره ۱).



نمودار ۱. الگوی اسلامی توزیع اثرگذار اعتبارات تولیدی

تا به حال نسخه‌های پنج‌الگوی مهم در رابطه با سازوکار توزیع بهینه‌ی اعتبارات

تولیدی، بحث و تحلیل شد. به‌منظور بررسی تجربی پایایی این الگوها، یک مطالعه موردی کیفی با استفاده از روش نظریه‌ی بنیانی^۱، در زمینه‌ی اعتبارات کشاورزی در شهرستان خوی انجام شد که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

روش‌شناسی

این تحقیق از نظر میزان کنترل داده‌ها میدانی، از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه‌ی جمع‌آوری داده‌ها به‌صورت کیفی و ژرفانگر می‌باشد. برای تحلیل یافته‌ها از روش نظریه‌ی بنیانی استفاده کردیم. نظریه‌ی بنیانی یکی از رایج‌ترین روش‌های تحقیق کیفی بوده و فرایندی است که طی آن، محقق به نظریه‌ای دست می‌یابد که ریشه در داده‌های جمع‌آوری شده دارند (Thomson, 2004, p. 1). در این پژوهش، مسأله‌ی تحقیق براساس تجارب و مشاهده‌های شخصی و اظهارنظر کارشناسان بومی منطقه تعیین شد. بر این اساس، خروج اعتبارات بانکی کشاورزی از مجرای تولید و استفاده نکردن اثرگذار از آن، به‌عنوان مشکل عمده در مسیر توسعه‌ی پایدار روستایی شناسایی شد. به این ترتیب، سؤال‌های تحقیق اولیه مشخص شد.

۱. میزان مصرف وام کشاورزی در بخش کشاورزی چقدر است؟
 ۲. چه موانعی باعث می‌شود تا وام‌های کشاورزی در امر تولید هزینه نشده و مخاطره‌های اخلاقی روی دهند؟
 ۳. میزان کارآمدی الگوهای نظری پنج‌گانه در تبیین شاخ‌های اثرگذار بر استفاده‌ی تولیدی از سرمایه‌ی مولد در چه حدی است؟
- بر مبنای سؤال‌های بیان‌شده، موارد مفید برای نمونه‌گیری نظری مشخص شدند. به این ترتیب نمونه به‌طور هدفمند از بین سرپرستان خانواری که در طول سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۱ حداقل یک بار اقدام به اخذ وام کرده بودند، انتخاب شد. نمونه‌ی تحقیق شامل افرادی از دهستان‌های مختلف شهرستان خوی بود. معیار تعیین حجم نمونه در نظریه‌ی بنیانی، اشباع

نظری^۱ است. در این تحقیق، به منظور دست‌یابی به اشباع نظری، با توجه به ابعاد مختلف موضوع، ۶۰ کشاورزی که وام کشاورزی دریافت کرده بودند مورد مطالعه قرار گرفتند. در این پژوهش، ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته، مشاهده‌ی غیر مشارکتی و یادداشت اطلاعات بود. از آنجایی که افراد در محیط‌های گروهی فرصت کافی و مناسب برای ابزار حقایق و ایده‌های خود نمی‌یافتند، به منظور درک عمیق واقعیت‌ها^۲ مصاحبه‌ها اغلب به صورت انفرادی و ژرف‌نگرانه انجام شد که مدت زمان هر کدام به طور متوسط، ۷۰ دقیقه بود. پایایی تحقیق، از طریق یادداشت‌برداری نکات مهم مصاحبه، برقراری تعامل مطلوب با مصاحبه‌شونده و سه‌وجهی‌سازی^۳ تأمین شد (Bo Hansen, 2006, p. 23). از سوی دیگر به منظور تأمین روایی تحقیق افزون‌بر تکثرگرایی داده، از راهبرد «بازخور مشارکت‌کننده»^۴ نیز استفاده شد (Johnson, 1997, p. 283).

یافته‌ها

نحوه‌ی مصرف وام

در این پژوهش، با استفاده از روش مقایسه‌ی مداوم، هر یک از خطوط، جملات و پارگراف‌های یادداشت‌های به‌دست آمده از کار میدانی در زمینه‌ی نحوه‌ی مصرف تسهیلات بانکی کشاورزی بررسی و رمزگذاری در دو سطح باز و محوری انجام شد و در نتیجه، مفاهیم زیرطبقه و طبقه‌ی گسترده‌تر نظریه ایجاد شدند (جدول شماره ۱). براساس یافته‌های تحقیق، تعداد زیادی از افرادی که وام‌های کشاورزی دریافت کرده بودند، به‌ویژه وام‌های گاو شیری، به شدت دچار مخاطره‌های اخلاقی شده بودند. حتی وضعیت به‌گونه‌ای بود که دو مورد از وام‌های کلان خوداشتغالی که به دانش‌آموختگان کشاورزی اعطا شده بود، به طور کامل از بخش کشاورزی خارج شده بود. همان‌طور که بیان شد، اغلب وام‌های گاو شیری در روستاهای مختلف، که درصد قابل توجهی از وام‌های کشاورزی زودبازده

-
1. Theoretical Saturation
 2. In-depth Understanding
 3. Triangulation
 4. Participant Feedback

را تشکیل می‌دادند، صرف خرید و فروش زمین، خرید مایحتاج زندگی، ماشین و غیره شده بود. البته هر دو قشر کشاورزان ثروتمند و فقیر دچار مخاطره‌های اخلاقی در اعتبارات کشاورزی شده بودند. این امر نشان می‌دهد کشاورزان رغبت کافی برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ندارند.

جدول ۱. طبقات گسترده و زیرطبقات به‌دست آمده از تحلیل مفاهیم، رمزگذاری باز و محوری

مفهوم	زیرطبقه	طبقه گسترده
استفاده از وام‌های زودبازده کشاورزی در فعالیتهای غیر کشاورزی	عدم رغبت کشاورزان به سرمایه‌گذاری کشاورزی	مخاطره‌های
عدم استفاده‌ی تولیدی از وام خوداشتغالی دانش‌آموختگی		
تعداد اندک دفعات نظارت بعدی		اخلاقی
توجه نکردن به توان مدیریت تولید متقاضیان		
توجه نکردن به سوابق شغلی کشاورزان		
فقدان توجه به خصوصیات فردی افراد		
دریافت وام‌های جاری با استفاده فاکتورهای صورتی	عدم بررسی مناسب و کامل صلاحیت‌های متقاضیان وام	
توجه نکردن به سوابق کاری و تجربه‌ی دانش‌آموختگان کشاورزی		
دریافت وام کشاورزی توسط تاجران و افراد غیرکشاورز به اسم کشاورز		
تناسب نداشتن میزان وام با نیازمندی‌های متقاضیان		فراهم نشدن فضای مناسب و توانمندساز برای هدایت اعتبارات کشاورزی به مجرای تولید
حذف پارانه‌ی نهاده‌های تولید		
ساختار نامطلوب اراضی	سوددهی پایین فعالیتهای تولیدی	
خشکسالی		
نرخ تورم		
بوروکراسی پیچیده و ناکارآمد اداری تأمین نهاده‌های یارانه‌دار		
تغییرات شرایط آب و هوایی	ریسک بالای تولید	
عدم تضمین آینده‌ی شغلی کشاورز		
عدم تأمین مناسب بذر سیب‌زمینی		
عدم ارابه‌ی مشاوره‌های پس از اعطای وام	عدم ارابه‌ی خدمات و کالاهای مکمل وام کشاورزی	
پرهزینه بودن نهاده‌های دامی به‌ویژه یونجه، کنسالتره و غیره		
سرمازدگی نهال‌های بادام	عدم توجه به شرایط جغرافیایی و اقلیمی	
شکست طرح آبیاری تحت فشار		
پایمال شدن حقوق تولیدکننده توسط واسطه‌ها		
تأخیر در پرداخت پول گندم کاران از سوی نهادهای دولتی	سازوکار نامناسب بازاریابی	
تأخیر در پرداخت پول چغندر کاران از سوی کارخانه قند		

منبع: یافته‌های تحقیق

به‌طور کلی، این پژوهش عوامل اثرگذار بر خروج اعتبارات از بخش کشاورزی را به شرح زیر طبقه‌بندی کرده است.

دلایل خروج تسهیلات بانکی کشاورزی از بخش کشاورزی

◀ سوددهی پایین فعالیت‌های تولیدی

عمده‌ترین دلیل خروج اعتبارات بانکی کشاورزی از این بخش، سوددهی پایین و منفی فعالیت‌های کشاورزی می‌باشد. به گونه‌ای که تصور اولیه بر این فرض استوار بود که تنها کشاورزانی که این وام‌ها را برای تأمین هزینه‌های زندگی و نیازهای مصرفی خود هزینه کرده‌اند در موقع بازپرداخت اقساط وام با مشکل مواجه می‌شوند. در حالی که نتایج تحقیق نشان داد که در حقیقت افزون بر گروه بالا، بسیاری از وام‌گیرندگان که از تسهیلات خود در بخش کشاورزی به‌ویژه دامداری استفاده کرده بودند، به‌شدت ضرر کرده و در بازپرداخت وام با مشکل مواجه شده بودند. این دامداران که در بهره‌گیری از تسهیلات بانکی گاو شیری (بنگاه‌های زودبازده) دچار مخاطره‌های اخلاقی نشده بودند، برای بازپرداخت اقساط گاهی مجبور به فروش دام‌های خود، به قیمت پایین‌تر از قیمت خرید می‌شدند که این امر منجر به ضرر مالی فرد می‌شد. سوددهی پایین فعالیت‌های تولیدی، سبب روی گردانی مردم از تولید شده بود و در این راستا بود که برخی از کشاورزان ناراضی باغ‌های سیب را از بین برده، اراضی کشاورزی را فروخته و به ناچار بخشی از دام‌ها را به دلیل نداشتن توانایی در تأمین علوفه، به بازار عرضه کرده بودند.

برعکس، کشاورزانی که وام‌های خود را در فعالیت‌های درآمدزای غیر کشاورزی (اعم از فعالیت‌های سوداگرانه یا مولد) مصرف کرده بودند، به‌طور معمول درآمد خوبی از محل این سرمایه‌گذاری به‌دست آورده بودند و افزون‌بر آن، با زحمات فراوان، نگرانی‌ها و فشارهای روانی و ریسک‌های متعددی که از ویژگی‌های بخش کشاورزی است، مواجه نشده بودند. اما کشاورزانی که به‌دلیل تخصیص وام به فعالیت‌های کشاورزی، متضرر شده و بازپرداخت آنان به تعویق افتاده بود، از مشتریان بد سابقه به‌شمار می‌آمدند. براساس قواعد بانکداری، قصورکنندگان در بازپرداخت وام نیز باید با جریمه مواجه شوند که در برخی از موارد که این روند عملیاتی شده بود، افراد مجبور به بازپرداخت مبلغی بسیار بیش‌تر از اصل مبلغ وام شده بودند که این خود سبب گرفتاری ایشان در تله فقر می‌شد.

«کلاه حسن را سر ولی، کلاه ولی را سر صفر، کلاه صفر را سر نقی و ... می‌گذاریم».

این روایت افراد محلی، حکایت از این روند رایج در بازپرداخت وام دارد که کشاورز

به دلیل نداشتن بنیه‌ی مالی مطلوب و ناتوانی در درآمدزایی، برای بازپرداخت اقساط وام، اقدام به تمدید وام و اخذ وام مجدد کرده و وارد چرخه‌ی فقر می‌شد. براساس یافته‌های مطالعه، عوامل اثرگذار بر سوددهی پایین تولیدات کشاورزی، عبارتند از «ساختار نامطلوب اراضی کشاورزی»، «قیمت پایین فروش محصولات» و «بالا بودن هزینه‌های تولید در نتیجه‌ی حذف یارانه‌ها، خشکسالی، نرخ بالای تورم و بوروکراسی پیچیده و ناکارآمد اداری» بودند.

برای نمونه یکی از کشاورزانی که وام گرفته بود، در رابطه با قیمت پایین فروش محصولات این چنین اظهار داشت: «تا زمانی که محصول دست ماست، ارزش ندارد ولی زمانی که دست واسطه‌ها می‌افتد، ارزشی برابر طلا پیدا می‌کند». «انگار تخمه آفتابگردان را موقع فروش، به آب دادم». هم‌چنین یک روستایی ۳۳ ساله که به دلیل سود پایین و هزینه‌ی بالای تولید، اقدام به فروش زمین کشاورزی کرده و افزون‌بر آن، مقداری پول نیز فراهم کرده و در نهایت، برای گذران زندگی خویش، پیکان خریده و به مسافرخشی روی آورده بود، درباره‌ی بالا بودن نرخ تورم اظهار داشت: «تورم و افزایش کلی قیمت کالاها، کمر روستاییان را خرد می‌کند».

افزون‌بر این، کشاورزان دیگری نیز بودند که به دلیل افزایش شدید هزینه‌های تولید، بخشی از دام‌های خود را ولو به قیمت پایین‌تر از قیمت خرید، فروخته و کارهایی از قبیل بنایی و کارگری انجام می‌دادند.

◀ عدم تضمین آینده‌ی شغلی کشاورز

همچنین اطمینان نداشتن نسبت به آینده‌ی کشاورزی در زمان سال‌خوردگی و عدم تأمین اجتماعی مناسب، از جمله عواملی بود که منجر به کاهش رضایتمندی شغلی کشاورز و تمایل نداشتن بهره‌برداران نسبت به سرمایه‌گذاری و اتکا به کشاورزی به‌ویژه در رابطه با جوانان شده بود.

◀ داشتن توان یا زمینه‌ی لازم برای فعالیت اقتصادی غیرکشاورزی

به‌طور معمول کشاورزانی که مهارت و توان انجام فعالیت‌های اقتصادی غیرکشاورزی را داشتند، وام‌های اخذ شده را صرف سرمایه‌گذاری در آن‌ها می‌کردند اما برعکس، بهره‌بردارانی که صرفاً در بخش کشاورزی واجد مهارت بودند، امکان استفاده‌ی از آن، در بخش اقتصادی غیرکشاورزی را نداشتند.

◀ ریسک بالای تولید

چنانچه بسترها و پیش زمینه‌های لازم برای شکوفایی یک شغل فراهم نشود، فرد شاغل از فقدان رضایت شغلی رنج خواهد برد. میزان ریسک در بخش کشاورزی به دلیل وابستگی فراوان آن به عوامل اقلیمی و جغرافیایی، بسیار بالاست. بررسی‌های پژوهش نشان می‌داد که اضطراب و دغدغه‌ی فکری ناشی از این که آیا محصول کافی تولید خواهد شد یا خیر، تأثیر بسیار مخربی بر تندرستی روستاییان گذارده بود. این موضوع به‌ویژه در نظام‌های کشاورزی نوع سوم که مستعد ریسک بوده و کشاورزان وابستگی اقتصادی فراوانی به کشاورزی دارند، ملموس تر می‌باشد. بیماری‌های اعصاب، سکته و حتی گاهی مرگ، سرنوشت کشاورزی است که منبع درآمدی دیگری نداشته و ثمره‌ی تلاش‌های طاقت‌فرسا در کشت محصول یا پرورش دام را در اثر پدیده‌هایی مانند خشکسالی، تگرگ، سیل، بیماری و ... از دست می‌دهد. وجود مخاطره‌های یادشده باعث ترغیب بیش تر افراد، نسبت به خروج سرمایه‌ها از بخش کشاورزی می‌شد. البته میزان دسترسی به دارایی‌های مولد، در افزایش توان کشاورز برای مقابله با ریسک، بسیار اثرگذار بود. از جمله نکات جالب توجه، این بود که با وجود افزایش قیمت نهاده‌ها به‌ویژه نهاده‌های مورد نیاز دام، برخی از کشاورزان برخلاف فضای غالب، از درآمد تولید و سود حاصله رضایت داشتند که خود جای سؤال بود. نتایج تحقیق نشان داد که این موضوع ناشی از میزان دسترسی کشاورزان به دارایی‌های مولد از قبیل آب، زمین، آموزش و نیروی کار بود. در واقع هر چه کشاورزان از عوامل یادشده بیش تر برخوردار بودند، قدرت کشاورز در مواجهه با ریسک‌های مختلف افزایش می‌یافت.

◀ تناسب نداشتن میزان وام با نیازمندی‌های متقاضیان

یکی دیگر از عوامل اثرگذار بر نحوه‌ی مصرف وام کشاورزی، میزان وام دریافت شده است. به این مفهوم که وقتی میزان وام کم‌تر از حدی بود که کشاورز نمی‌توانست با استفاده از آن، توانایی و قابلیت‌های تولید را ارتقا داده و از حالت معیشتی خارج شود، وام یادشده را صرف امور مصرفی و غیردرآمدزا می‌کرد و یا این که در بهترین حالت، صرف تأمین هزینه‌های جاری کشاورزی می‌نمود. بنابراین چنانچه میزان وام، با توجه به شرایط

کشاورز و نیازمندی مالی وی برای بهبود وضعیت تولید، کم‌تر از حد لازم بوده و از سوی دیگر وی در تأمین هزینه‌ی عملیات کشاورزی موجود خوداتکا بود، وام دریافت شده به مجاری دیگر به‌ویژه تأمین نیازهای روزمره و مصرفی هدایت می‌شد.

◀ شکل وام

وام‌هایی که به‌صورت نقدی پرداخت می‌شدند، مخاطره‌های اخلاقی بیش‌تری در مقایسه با تسهیلات جنسی داشتند.

◀ نظارت غیر اثرگذار و ناکافی پس از اعطای وام

افزایش تعداد نظارت کارشناسان بانک، به‌ویژه بدون اطلاع قبلی و به‌صورت مداوم، در کاهش تخلفات استفاده‌ی از وام بسیار اثرگذار بود. با این وجود، یافته‌های تحقیق بیانگر آن بودند که میزان نظارت‌های بعدی در رابطه با نحوه‌ی استفاده از وام کشاورزی بسیار اندک و ناکارآمد بوده‌اند.

◀ عدم آرایه‌ی خدمات و کالاهای مکمل وام کشاورزی

از جمله‌ی مواردی که مانع از استفاده‌ی ثمربخش و به‌صرفه از وام کشاورزی می‌شد، عدم تأمین مناسب و کم‌هزینه‌ی خدمات و نهاده‌های مکمل بود.

◀ توجه نکردن به شرایط جغرافیایی و اقلیمی

بی‌تردید اعطای وام کشاورزی با یک هدف و طرح خاص، بدون توجه به تأمین زیرساخت‌های لازم، منجر به شکست خواهد شد. اعطای وام کشاورزی به‌منظور کاشت بادام در یکی از روستاهای مورد مطالعه که آب و هوای سردی دارد، توفیق چندانی در بهبود وضعیت معیشتی استفاده‌کنندگان از وام نداشت. چرا که شرایط آب و هوایی نامساعد، سبب سرمازدگی نهال‌های بادام شده بود. هم‌چنین تسهیلات بانکی که به‌منظور راه‌اندازی و اجرای طرح آبیاری تحت فشار در یکی دیگر از روستاها اختصاص یافته بود، به‌دلیل خشکی منابع آبی، متمر ثمر واقع نشده بود. به‌طوری که وام‌گیرندگان با مشکل بازپرداخت اقساط و قصور در بازپرداخت مواجه شده بودند.

◀ بررسی نکردن دقیق صلاحیت‌ها و ارزیابی متقاضیان وام

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که صلاحیت‌های افراد در پرداخت وام به‌خوبی مورد بررسی قرار نمی‌گرفت و سوءاستفاده و تخلف زیادی در این زمینه انجام می‌شد. برای نمونه جعل فاکتور خرید، به‌صورت یک پدیده‌ی فراگیر در اخذ اعتبارات جاری به‌شمار

می‌رفت. هم‌چنین از آن‌جایی که شوراهای اسلامی روستاها به‌عنوان یکی از مراجع تأیید کننده‌ی سکونت متقاضی در روستا و اشتغال وی به کشاورزی بودند، در برخی از موارد به دروغ به آشنایان خود معرفی‌نامه‌ی اخذ وام می‌دادند.

بحث، نتیجه و پیشنهادها

مقایسه یافته‌های پژوهش با الگوهای نظری و نظریه‌های موجود

در سطح نهایی رمزگذاری (رمزگذاری انتخابی)، نتایج تحقیق با نظریه‌های مشابه مورد مقایسه قرار گرفت و سپس با استفاده از چارچوب نظری به‌دست آمده، طبقات گسترده با یک‌دیگر تلفیق شده و نظریه‌ی نهایی ارایه شد. همان‌طور که یافته‌های تحقیق نشان داد، طبقه‌ی اجتماعی افراد برخلاف آن‌چه که در الگوی هسته‌ی در حال گسترش سرمایه‌داری مطرح شده است، تعیین‌کننده‌ی استفاده‌ی مولد از اعتبارات و سرمایه نیست. چرا که برخلاف تأکیدهای اقتصاددانان کلاسیک مبنی بر تمایل فراوان سرمایه‌داران نسبت به سرمایه‌گذاری تولیدی، نتایج مطالعه نشان داد که این اقشار نیز تحت شرایطی، اقدام به خروج اعتبارات تولیدی از بخش تولید می‌کنند و برعکس، برخی از اقشار خرده‌پا و فقیر نیز در پی تأمین نقدینگی مورد نیاز فعالیت‌های کشاورزی بودند. هم‌چنین یافته‌ها، نقص الگوی نیازهای اساسی را نیز به‌طور عینی آشکار کرد. به این ترتیب که افزایش دسترسی به اعتبارات تولیدی در نواحی روستایی دورافتاده و محروم و بدون تأمین بسترهای لازم، به‌تنهایی در تحقق فقرزدایی موفق نخواهد بود بلکه هم‌سو با نظرات لوئیس، منجر به افزایش نرخ تورم و وخیم‌تر شدن وضعیت معیشتی روستاییان خواهد شد. از سوی دیگر، براساس نتایج تحقیق، وجود فرصت‌های اشتغال بهتر در سایر بخش‌های اقتصادی و نیز عدم سوددهی مطلوب کشاورزی، سبب رها شدن زمین‌های کشاورزی و عدم نگرش افراد به کشاورزی به‌عنوان یک اشتغال و حرفه‌ی درآمدزا و در نتیجه خروج سرمایه از بخش کشاورزی می‌شود. هم‌چنین نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که نرخ تورم بالا، ریسک فعالیت‌های تولیدی را افزایش داده و سود کلانی را عاید فعالیت‌های واسطه‌گری و سوداگری کرده است.

به‌طور کلی این پژوهش نشان داد که عوامل و متغیرهای بسیار زیادی در استفاده‌ی درست از اعتبارات کشاورزی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اعتبارات تولیدی اثرگذارند.

می‌توان گفت که دین اسلام متغیرهای یادشده را در زیر رهنمودهای کلی شامل جلوگیری از انحصار سرمایه در دست ثروتمندان و غافل نبودن از پروژه‌های کوچک و فقرا و اعطای آن با توجه به شایستگی‌ها و قابلیت‌ها در نظر گرفته است.

اسلام در واقع معتقد به تأمین فضای لازم و مساعد برای حرفه‌ی کشاورزی به‌عنوان اولویت نخست بخش تولید می‌باشد. نتایج این مطالعه، ضرورت توجه به رویکرد جامع‌نگر دین اسلام در رابطه با تأمین محیط توانمندساز برای کشاورزان را آشکارتر کرد که در الگوی معکوس‌سازی نیز به اشاره شده است. در این رویکرد نباید صرفاً در پی اصلاح ساختارهای کلی بود، بلکه باید با محور قرار دادن نیازهای کشاورزان و شرایط آنان، فضای اطمینان را برای سوق یافتن اعتبارات در مسیر تولید ایجاد کرد. یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده که در این راستا باید مورد اهتمام برنامه‌ریزان قرار گیرد، ساختار نامطلوب اراضی و عدم دسترسی کافی کشاورزان به دارایی‌های مولد بود که رفع آن به‌خوبی مورد تأکید حضرت علی (ع) در نامه‌ی ۵۳ نهج البلاغه و در جاهای دیگر، با عنوان وظیفه‌ی دولت در آبادانی و عمران اراضی، مطرح است. هم‌چنین همان‌طور که حضرت بر ضرورت سامان‌دهی بازاریابی محصولات کشاورزی و جلوگیری از اجحاف به کشاورزان تأکید کرده‌اند، این پژوهش نیز نشان داد که عدم بازاریابی عادلانه سبب کاهش تمایل کشاورزان نسبت به مصرف اعتبارات کشاورزی در مسیر تولید و ارتکاب مخاطره‌های اخلاقی شده بود. افزون‌بر این، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که افزایش هزینه‌ی تولید که عامل اصلی آن، افزایش قیمت نهاده‌ها می‌باشد، منجر به سرخوردگی و کاهش علاقه‌ی کشاورزان نسبت به تولید شده و انگیزه‌ی آنان را کاهش داده بود. این در حالی است که اسلام به‌شدت بر تأمین آرامش روانی و امید برای کشاورز تأکید دارد. عدم توجه به شرایط جغرافیایی و اقلیمی، عدم بررسی دقیق صلاحیت‌ها و ارزیابی متقاضیان وام و نظارت ناکافی بر نحوه‌ی مصرف وام از جمله‌ی دیگر عواملی است که در راستای رویکرد جامع‌نگر توزیع اعتبارات تولیدی باید به آن توجه شود. چرا که طبق آموزه‌های اسلام، بخشیدن مال در غیر موردش (خطبه‌ی ۱۲۶ نهج البلاغه) اسراف و تبذیر محسوب شده و منع شده است. به بیان دیگر، شایستگی و قابلیت فرد برای اخذ وام از سوی وام‌دهنده باید احراز شود، به‌گونه‌ای که سرمایه در اختیار فردی قرار گیرد که قصد کارآفرینی داشته و

مهارت لازم را دارد. اهتمام واقعی و عملیاتی بانک نسبت به احراز صلاحیت متقاضیان، به‌ویژه با توجه به ضعف در این زمینه، بسیار مهم و راه‌گشا خواهد بود. به‌طور کلی یکی از مهم‌ترین مواردی که در بررسی صلاحیت متقاضیان وام‌ها، به‌ویژه وام‌های سرمایه‌ای باید به آن توجه شود، امکان توسعه‌ی ظرفیت تولیدی با استفاده از وام سرمایه‌ای است. برای نمونه در مورد وام‌های سرمایه‌ای و زیربنایی می‌توان با برپایی دوره‌های آموزشی مرتبط و برقراری ارتباط نزدیک با کشاورزان متقاضی، پیش از پرداخت تسهیلات، صلاحیت‌های آنان را ارزیابی کرد. افزون‌بر این، از آن‌جایی که نظارت کارشناسان بانک بر نحوه‌ی مصرف وام‌های اعطایی و آموزش کشاورزان بسیار پایین بوده است، از این‌رو توصیه می‌شود به‌منظور جلوگیری از انحراف وام‌های کشاورزی، کارشناسان بانک با همکاری کارشناسان جهاد کشاورزی، پس از اعطای وام، نظارت‌های دقیق‌تر، واقعی‌تر و بیش‌تری بر نحوه‌ی استفاده از تسهیلات یادشده اعمال کرده و آموزش‌های حرفه‌ای مورد نیاز تولیدکنندگان را ارائه دهند.

در مجموع، نتیجه‌ی نهایی روش نظریه‌ی بنیانی در این تحقیق عبارت از آن است که هدایت درست و مولد اعتبارات تولیدی نیازمند یک الگوی همه‌جانبه‌نگر و مبتنی بر قابلیت‌ها بوده و طبقه‌ی اجتماعی افراد وام‌گیرنده نمی‌تواند در این الگو جایگاهی داشته باشد. هم‌چنین از سوی دیگر، توزیع گسترده و صرف اعتبارات در بین محرومان با هدف عدالت‌گستری، در صورت عدم توجه به دیگر شاخص‌های فرایند استفاده‌ی درست از اعتبارات تولیدی و فراهم‌سازی بسترها و ایجاد قابلیت‌های مربوطه، در فقرزدایی و رشد موفق نخواهد بود، بلکه برعکس سبب تشدید فقر خواهد شد. ناکارایی بازار نیز به‌تنهایی نمی‌تواند به‌عنوان دلیل اصلی عدم تبدیل اعتبارات تولیدی به سرمایه‌ی تولیدی و به بیان دیگر، استفاده‌ی مولد از اعتبارات تولیدی محسوب شود. بلکه در کنار اصلاح نظام بازاریابی و دیگر اصلاحات کلان، باید خود انسان و نیازهای روانی، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های وی نیز مورد نظر قرار گیرد.

منابع

- قرآن کریم. ترجمه‌ی سید محمدرضا صفوی (۱۳۸۶). نشر معارف.
- نهج البلاغه، ترجمه‌ی علی شیرزوانی (۱۳۸۵). انتشارات مؤسسه‌ی دارالعلم.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۲). *بیانات در دیدار جهادگران و کشاورزان*. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌ا... العظمی سید علی خامنه‌ای. قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3213>
- خلیلیان، محمدجمال (۱۳۸۴). شاخص‌های توسعه‌ی اقتصادی از دیدگاه اسلام، چاپ اول، قم: انتشارات مؤسسه‌ی امام خمینی (ره).
- گیلک حکیم آبادی، محمد تقی (۱۳۸۰). «امام علی (ع)، دولت و سیاست‌های اقتصادی»، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۱۹، صص ۱۷۷-۱۱۶.
- Ang, James B., (2008). "What are the mechanisms linking financial development and economic growth in Malaysia?", *Economic Modelling*. No. 25, pp. 38-53.
- Bo Hansen, R., (2006). "Study on the perception of Voluntary Counseling and Testing among people living in Tumu Sub-district (Sissala East District, Upper West Region, Ghana)", *Basic Studies of Social Science*, ROSKILDE University, Gruppe 32, hus 20. 2.
- Briggeman, B.C., Towe, C., and Morehart M., (2007). "Credit Access: Implications for Sole-Proprietor Household Production", Selected Paper prepared for presentation at the American Agricultural Economics Association Annual Meeting, Portland.
- Bryant, K., (2001). "ALEES: an agricultural loan evaluation expert system", *Expert Systems with Applications*, No. 21 (2), pp. 75-85.
- Chambers, R., (1993). *Challenging the professions: frontiers for rural development*, London: Intermediate Technology Publications.
- Hunt, D., (1989). *Economic Theories of Development: An Analysis of Competing Paradigms*, New Jersey: Pearson education.
- Johnson, R.B., (1997). "Examining the validity structure of qualitative research". *Education*, No. 118 (2), pp. 282- 292.
- Mel, S.d., McKenzie, D., and Woodruff, C., (2007). "Returns to capital in

micro enterprises: evidence from a field experiment”, World Bank Policy Research Working Paper 4230.

Saddik, I., (1995). “Credit and Investment in Egyptian Agriculture: Future Perspectives in the Light of the Economic Liberalization Policies”, Faculty of Agriculture, Menoufeya University, Cairo.

Schumpeter, J.A., (1911). The Theory of Economic Development, Oxford: Oxford University Press.

Swinnen, J.F.M., Gow, H.R., (1999). “Agricultural credit problems and policies during; the transition to a market economy in Central and Eastern Europe”, Food Policy, No. 24, pp. 21-47.

Thomson, S. B., (2004). “Qualitative Research: Grounded Theory - Sample Size and Validity”, Dept. of Management. Monash University.